

راه عاشقی با خدا از دل شب می‌گذرد

بندگی خداوند دو بعد دارد؛ یکی آشکار و عملی و دیگری پنهان و قلبی. اگر تنها به ظاهر عبادت بسنده کنیم، ممکن است روح آن را از دست بدهیم و اگر تنها به تجربه‌های درونی و حال معنوی دل ببندیم، بدون التزام به شرع و احکام، ممکن است به دام خیال و گمراهی بیفتیم. دین، راهی میانه است و آن یعنی از دست ندادن هردو، بندگی با جان و تن، ظاهر و باطن، وظیفه و عشق. نخستین گام بندگی، انجام واجبات و ترک محرمات است؛ همان چیزی که «تقوا» نام دارد. تقوا یعنی مراقبت مداوم، یعنی قرار گرفتن در مدار «باید‌ها» و دوری از «نباید‌ها». در روایات آمده است که هیچ عبادتی، بدون تقوا پذیرفته نمی‌شود؛ چنان‌که قرآن کریم تصریح می‌کند: «إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ... مِنْ الْمُتَّقِينَ»؛ خدا فقط از اهل تقوا می‌پذیرد. اما بندگی فقط همین نیست. انسان مؤمن، در کنار رعایت احکام، دلش می‌خواهد با خدای خود خلوت کند، راز بگوید، اشک بریزد، احساس کند که خدانه‌فقط فرمانروا که محبوب و معشوق اوست. این همان بعد دوم عبادت است؛ یعنی ارتباط عاشقانه و صمیمی با خداوند بزرگ.

اما چگونه می‌توان به این ارتباط رسید؟ خداوند راهش را نشان داده است؛ راهی که بی‌نیاز از بازی‌ها و حلقه‌های مشکوک است.

در سوره مبارک زمزل، یکی از زیباترین نسخه‌های سیر و سلوک الهی آمده است: «إِنَّ تَأْسِثَهُ اللَّيْلُ هِيَ أَشَدُّ وَظَنًا وَأَقْوَمُ قِيلًا»؛ یعنی برخاستن شب هنگام، گفت‌وگوی دل و زبان را صادقانه‌تر و مؤثرتر می‌سازد. شب، زمان انس با خداست. زمانی است که دنیا ساکت می‌شود، بازار و خیابان تعطیل است و دل انسان آمادگی بیشتری برای حضور دارد. خدا خود، این وقت را پیشنهاد کرده است.

در روایتی لطیف، امام صادق^(ع) فرمودند:

«إِنَّ الرَّجُلَ إِذَا صَلَّى بِاللَّيْلِ فَأَطَالَ الْقِيَامَ وَالرُّكُوعَ وَالسُّجُودَ، نَادَى الْمَلَكُ مِنَ السَّمَاءِ: قُمْ يَا فُلَانُ فَقَدْ غَفَرَ لَكَ»

یعنی وقتی بنده‌ای در دل شب برمی‌خیزد، می‌ایستد، رکوع و سجود به‌جا می‌آورد، فرشته‌ای از آسمان ندا می‌دهد: «ای فلانی، برخیز که خدا تو را آمرزیده است...». در مناجات حضرت موسی^(ع)، خداوند او را چنین مخاطب قرار داد: «كَذَبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ يُحِبُّنِي، فَإِذَا جَنَّهُ اللَّيْلُ نَامَ عَنِّي»؛ یعنی دروغ می‌گویی آن‌که ادعای محبت من دارد اما شب که می‌شود، به خواب می‌رود و به یاد من نیست. مگر عاشق از خلوت با معشوق، غافل می‌شود؟

این‌ها فقط نمونه‌هایی از صدها روایت در باب عبادت شبانه است. در قرآن نیز، خداوند ویژگی مؤمنان را چنین توصیف می‌کند: «تَتَجَافَىٰ جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ، يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا»؛ پهلوی خود را از بستر جدا می‌کنند و شب هنگام، خدا را با بیم و امید می‌خوانند. در ادامه می‌فرماید: «فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُمْ...»؛ هیچ‌کس نمی‌داند چه پاداشی در انتظار چنین بندگانی است. عبادت شب، نوعی دیدار اختصاصی با خداست؛ دیداری که در آن نه چشم دنیاداران حضور دارد نه سرگرمی‌های ظاهری، وقتی دیگران در خواب‌اند، مؤمن بیدار است. این بیداری، فقط بیداری جسم نیست؛ بیداری دل است. دل مؤمن در دل شب، زنده می‌شود. اشک می‌ریزد، توبه می‌کند، شکر می‌گوید و آرام می‌گیرد. این خلوت شبانه، برکاتی دارد که فقط تجربه‌کنندگانش آن را درک می‌کنند. در چند کلمه شاید بتوان گفت که برکات آن روشنایی دل، آرامش بی‌مانند، قوت در بندگی روزانه، معرفت بیشتر به خدا، اشتیاق بیشتر به عبادت و مهم‌تر از همه، احساس رفاقت با خداوند است.

اگر کسی می‌خواهد خدا را «دوست» خود بدانند، راهش همین است. خداوند خود می‌فرماید: «الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ»؛ مؤمنان باتقوا، هم در دنیا و هم در آخرت ششارت دارند.

در این مسیر، مهم‌است که مراقب انحراف‌ها نیز باشیم. گاهی افرادی با ظاهر معنوی و جذاب، اما بدون ریشه قرآنی و روایی، خود را راهنما معرفی می‌کنند. حلقه‌های باطنی، عرفان‌های دروغین، تجربه‌گرایی بی‌ملاک و غفلت از واجبات، همه دام‌هایی‌اند که بسیاری را از راه خدا دور کرده‌اند. اسلام، راه خدا را بی‌واسطه قرار داده است؛ هرکه بخواهد، می‌تواند مستقیم با خدا سخن بگوید، بی‌نیاز از مَدعیان میانجیگری.

پس بیایید قدمی برداریم. لازم نیست یک شبه عارف کامل شویم، فقط نیم ساعت پیش از اذان صبح بیدار شویم، وضو بگیریم، دو رکعت نماز بخوانیم، و بی‌صدا با خدا حرف بزنیم، می‌توانیم زیارت عاشورا، دعای عهد یا چند آیه از قرآن را بخوانیم، حتی فقط «الهی العفو» بگوییم، مهم، حضور است، مهم، حرکت است. دل خدا را همین قدم کوچک شاد می‌کند.

در دعای کمیل، امیرالمؤمنین^(ع) می‌فرمایند: «واجعلنی من أحسن عبیدک نصیباً عندک، و أقربهم منزله منک، و أخضهم زلفاً لدیک».

ما نیز همین را بخواهیم؛ خدایا! ما را از بهترین بندگان، نزدیک‌ترین و صمیمی‌ترین بندگان به خودت قرار بده.

دعا کنیم که از اهل نماز شب باشیم؛ هرچند کوتاه و از انس با قرآن و سجاده، بهره‌مند شویم و از خواب غفلت و سستی نجات یابیم. ان شاء... و در زمره محبوبان خدا قرار بگیریم.

و آخر سخن، داعایی از دل که خدایا، ما را از کسانی قرار بده که نیمه‌های شب، با تو خلوت می‌کنند. اشک می‌ریزند، دل می‌سپارند و تو را عاشقانه می‌خوانند. خدایا، لذت یاد خودت را به دل‌های ما بچشان!

برگرفته از خطبه‌های نماز جمعه مشهد

تنظیم: حجت‌الاسلام والمسلمین حسین ابراهیمی

بردار و بخوان

امتحان الهی به بلا، شکر، صبر

حمیده ذاکری کتاب «امتحان الهی به بلا، شکر، صبر»، جلد دوم از مجموعه سیزده جلسه مؤلف است و عنوان این مجموعه برگرفته از دو ماده امتحان الهی یعنی شکر و صبر است. براساس آنچه در معارف دین مبین اسلام آمده است، همه مؤمنان در تمام لحظات زندگی خود در معرض امتحان الهی هستند. این آزمایش همگانی دارای ویژگی‌های منحصر به فردی است که آیت... مجتبی تهرانی با رویکردی بی‌نظیر و به‌طور مفصل درباره آزمایش الهی در این کتاب بحث کرده است. بالایی که خداوند متوجه انسان می‌کند، متناسب با ظرفیت‌های اوست. این بلا و امتحان الهی برای مؤمنی که دچار غفلت شده است، نقش یادآور را دارد و برای مؤمنی که زمینه صعود در او وجود دارد، راه ارتقای درجه است. براساس آنچه در این کتاب آمده است، محور همه آزمایش‌ها صبر و شکر مؤمن است و البته خداوند بدون تعلیم از کسی امتحان نمی‌گیرد.

آیت... مجتبی تهرانی در ادامه کتاب «امتحان الهی به بلا، شکر، صبر» مطالبی درباره دعا، صدقه و صلہ رحم با بلا مطرح می‌کند. موضوع دیگری که او در این کتاب آن را مطرح کرده، این است که آیا نسبت به شکر و صبر در آزمایش الهی تقدم و تاخری وجود دارد؟ سپس ویژگی آزمون الهی با صبر و شکر را بیان می‌کند و نتیجه قبولی در این آزمون‌ها را سعادت و کمال انسان معرفی می‌کند.

در فهرست کتاب، سیزده جلسه او همراه با مواردی که در

هر جلسه بیان کرده، آمده است؛

نقش بلا در سیر معنوی انسان، ابتلا، وسیله تربیت مؤمن، نقش‌های مختلف آزمایش الهی، التزام امتحان الهی، مواد امتحانی خداوند، مواد خاص امتحانی، شکر و صبر، آزمایش‌های الهی مؤمن، رشد معنوی، آزمایش‌های الهی در فصول زندگی، مختصات آزمایش الهی، پیچیدگی امتحان الهی، موازنه شکر و صبر.

خواندن کتاب‌هایی چون «امتحان الهی به بلا، شکر، صبر» به ما این فرصت را می‌دهد که خود را برای بندگی بهتر در درگاه خداوند بزرگ آماده کنیم تا بتوانیم راه سعادت و نیکی‌ختی را در زندگی خود پیدا کنیم. خدا کند که بتوانیم بنده‌ای شکرگزار و مطیع در درگاه ایزد منان باشیم.

شکر

۳شنبه
۲۳ شهریور ۱۴۰۳
۱۱ آبان ۱۴۴۳
شماره ۴۴۴

۱۴
SHAHKARANEWS.IR



معرفی

● میل به آراستگی یکی از ویژگی‌های انسانی است. حال سؤال اینجاست که در آموزه‌های دینی، توجه به زیبایی و تزیینات ظاهری چگونه با فطرت انسان‌ها به‌ویژه زنان تطابق دارد؟ استفاده از آرایش‌های نوپدید چه تأثیری می‌تواند بر این فطرت و اصل زیبایی طبیعی در اسلام بگذارد؟

خداوند متعال امیال گوناگونی را در وجود انسان هانهاده است. درمیان این تمایلات، گرایش به زینت و جمال نیز وجود دارد. زینت و جمال دو بار معنایی متفاوت دارند، زینت و آرایش یک امر عارضی است و با ضمیمه کردن شیء دیگری از خارج حاصل می‌شود، حال آنکه جمال به زیبایی اصلی که به‌طور طبیعی وجود دارد، گفته می‌شود. گرایش به انواع آرایش‌های نوپیدا نیز رفتاری است که از تمایل انسان به خودآرایی نشئت می‌گیرد. اسلام نگفته است زن خود را نیاراید. آرایش نکند، زیباتر نشود، بلکه محدوده‌ای برای آن تعیین کرده است. خداوند اوئمه اطهار^(ع) همواره زنان را به آرایش و پیراستن خود توصیه کرده‌اند، بنابراین با وجود اینکه مطلق آرایش برای زنان پسندیده است، از آرایش زنان در معرض نامحرمان نهی شده است. مطابق آموزه‌های اسلامی، آرایش نیز دارای حد و مراس و نباید در آن افراط کرد. در اسلام، آرایش و زینتی ارزشمند است که به شهرت و تجمل‌پرستی تبدیل نشود و حریم عفاف در آن رعایت شود، برای ریا و خودنمایی نباشد، دربرابر نامحرمان نباشد و در نهایت، ناهنجاری‌های غربی را وارد فرهنگ اسلامی نکند. در این میان، تفاوتی میان انواع آرایش‌های دائم و نیمه‌دائم نیست. آرایش و آراستگی زن در صورت ظاهر نشدن در مقابل نامحرم یا در مجالس زنانه یا در برابر همسر مانعی ندارد، ولی اگر در معرض نگاه نامحرم باشد، این آرایش قطعاً حرام است؛ چرا که حریم عفاف را خدشه دار می‌کند و آلودگی، جامعه را فرامی‌گیرد.

الهام نجفی:

زن تراز در حکمرانی اسلامی باید با الگوگیری از بزرگ بانوی اسلام، حضرت زهرا(س)، شاخصه‌های مختلف را از جنبه‌های معنوی و دینی گرفته تا حضور اجتماعی به شکل صحیح و با رعایت موازین شرعی دارا باشد

● از میان تیعات روانی و روحی آرایش‌های نوپدید براساس آموزه‌های دینی به چه مواردی می‌توان اشاره کرد؟

اسلام بر آرایش زنان تأکید نکرده است ولی همواره به آراسته‌ظاهر شدن افراد در جامعه توصیه کرده است. اسلام، آراستگی را در بعد نظافت مانند مسواک زدن، استحمام، گرفتن ناخن، شانه‌زدن موی سر، استعمال عطر، پوشیدن لباس سفید و... توصیه کرده است و اساساً رعایت اصول فوق، نشانه زیبایی است. اما گرایش به انواع آرایش‌های نوپیدا و افراط در آرایش و زینت، از امراض روانی است، لذا نباید بیشتر وقت افراد صرف آرایش و زینت خود شود که در این صورت، علاوه بر اینکه اثرات روانی نامطلوبی به دنبال خواهد داشت، سبب ضعف قوای عقلانی و شخصیت فردی نیز می‌شود. امروزه افراط در انواع آرایش، بسیاری از زنان را به خود مبتلا و شخصیت آن‌ها را ضعیف کرده است، به‌طوری‌که برخی زنان توان فکری و جسمی خود را به آرایش و زینت خویش مشغول کرده‌اند و همین امر باعث شده است برخی از آن‌ها به جای تکیه بر معنویات و ارزش‌های متعالی بر جذابیت‌های ظاهری و نمایش اندام در برابر دیگران، تکیه کنند و با زبان و عمل این‌گونه القا کنند که آنچه مهم است، دغدغه‌های ظاهری است نه پایبندی به اخلاق و ارزش‌های درونی.

نبرد پنهان آرایش‌های نوپدید با کرامت اسلامی

آرایش پُر آرایش

گفت‌وگو

نسرین نقدی| در فرهنگ اسلامی، زیبایی و آراستگی جزو ویژگی‌های طبیعی انسان هاست اما این زیبایی نباید از مسیر فطرت و اصول اخلاقی منحرف شود. آرایش‌های نوپدید و استفاده از تغییرات ظاهری دائمی، گرچه ممکن است در ظاهر جذاب به نظر برسند اما از منظر دینی، می‌تواند تأثیرات منفی بر هویت فردی و سلامت روان زنان بگذارد. برای بررسی دقیق‌تر این موضوع و اثرات آن بر سلامت روان و روحیات بانوان سرزمینمان، در گفت‌وگویی با دکتر الهام نجفی، پژوهشگر مطالعات زنان و تحولات اجتماعی و مدرس حوزه و دانشگاه، به این موضوع پرداخته‌ایم.

● با توجه به اقبال نسل جدید به سلبریتی‌ها و اهالی هنر در مورد تأثیر رسانه‌ها و سلبریتی‌ها بر فرهنگ زیبایی‌شناسی به چه نمونه‌هایی می‌توان اشاره کرد؟

ظهور آرایش‌های نوپدید از طریق تأثیر رسانه و فضای مجازی، در جهان پیچیده و امروز به علت جذابیت‌های بصری توانسته است بخشی از زنان جامعه مسلمان را به خود جذب کند. این امر علاوه بر تبلیغات سلبریتی‌ها و شخصیت‌های مشهور در صنعت آرایش، موج جدیدی از آرایش‌های پرطرفدار و نوظهور را در جوامع مسلمان ایجاد کرده، مواردی که بسیار آرام و خزنده با تغییر ذائقه و عادی‌سازی انواع آرایش، منجر به استحاله نوع پوشش و شمایل افراد شده است. این امر پیامدهایی همچون نمایشگری، عشوہ‌گری و امثال آن را به همراه دارد، از این‌رو در جوامع مذهبی، تضاد انواع آرایش‌های نوظهور با ارزش‌های دینی، این پدیده را تبدیل به مسئله‌ای مهم کرده است.

حاکمیت باید در فرهنگ‌سازی صحیح از طریق نهادهای پرشمار فرهنگی و حمایتی مانند بهزیستی، آموزش و پرورش، شهرداری، دادگستری، مهدکودک‌ها، رسانه ملی، معاونت‌نوبسی در ادبیات، بخش محتوایی فضای مجازی، همه و همه به‌صورت هماهنگ برای ایجاد باورمندی و حس خوب زنان و دختران نسبت به خود و ایجاد تمایل به حجاب و پوشش اقدام کند. در این صورت شاهد بسیاری از معضلات در جامعه نخواهیم بود. باید بتوان با کار فرهنگی هماهنگ و گسترده، اوضاع را بهبود بخشید و باور بیش پوشش را اصلاح و جنگ نرم و عملیات روانی دشمن را خنثی کرد.

● در اسلام، حجاب به‌عنوان یک دستور دینی مهم مطرح است. استفاده از آرایش‌های نوپدید که گاهی به‌طور خاص برای زیبایی و جلب توجه طراحی می‌شوند، چگونه با اصول حجاب و پوشش اسلامی تطابق دارد؟

بی‌شک اعتقادات و مذهب هر فرد می‌تواند بر تصمیماتش در گرایش به انواع آرایش‌های دائم یا نیمه‌دائم اثرگذار باشد. زن تراز در حکمرانی اسلامی باید با الگوگیری از بزرگ بانوی اسلام، حضرت زهرا(س)، شاخصه‌های مختلف را از جنبه‌های معنوی و دینی گرفته تا حضور اجتماعی به شکل صحیح و با رعایت موازین شرعی دارا باشد. زن مسلمان باید علاوه بر ارتقا و رشد شخصیت، در رفتار و کردار و نوع پوشش و رعایت حجاب به‌گونه‌ای عمل کند که زیبایی‌های باطنی و نهفته وی نمایان نشود و اسباب جلب توجه را فراهم نسازد، نه اینکه با گرایش به انواع آرایش‌های دائم و نیمه‌دائمی، جذابیت جنسی و ظرافت‌های زنانه خود را به رخ بکشد و از ارزش‌های وجودی خویش فاصله بگیرد و به ملزومات خودنمایی گرایش پیدا کند که در این صورت یقیناً به مؤلفه‌های دینی در تناقض خواهد بود. به خاطر داشته باشیم که اسلام با خودآرایی و آرایش به‌طور کلی مخالف نیست، بلکه با خودنمایی در مقابل نامحرم، مخالف است؛ چنان‌که در آیه شریف «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» از نشان دادن زینت‌های زن به نامحرم، نهی شده است. همچنین در روایات، نشان دادن آرایش زن به نامحرم، نکوهش شده است؛ چرا که اگر زن به چشم و آبرو و سایر جاذبه‌های جنسی شناخته شود، در این صورت تنها بهره‌وری زن از خلقت، برانگیختن حس شهوانی مردان و گسترش دامنه فحشا خواهد بود.

روشنا

بهترین سخن، کتاب خدا و بهترین روش، روش محمد(پیامبر خدا^(ص)) و بدترین امور بدعت هاست. (پدیده‌های مخالف دین).

سلاحی که تاریخ را تغییر داد

فصلی فرآینب، داوود

یکی دو سنگ را آن چنان ماهرانه پرتاب کرد که درست بر پیشانی و سر جالوت کوبیده شد و در آن فرونشست و فریادی کشید و فروافتاد و ترس و وحشت تمام سپاه او را فراگرفت و به سرعت فرار کردند. گویا خداوند می‌خواست قدرت خویش را در اینجا نشان دهد که چگونه پادشاهی با آن عظمت و لشکری انبوه به وسیله نوجوانی تازه به میدان آمده آن هم با یک سلاح ظاهراً بی‌ارزش، از پای درمی‌آید! «فَهَزَمُوهُم بِأَذْنٍ... وَ قَتَلَ دَاوُودُ جَالُوتَ وَاتَّاهَهُ الْمَلُکُ وَالْحِکْمَهُ وَ عَلَّمَهُ مِمَّا يَشَاءُ وَ لَوْأَدْفَعُ... النَّاسُ يَغْطَهُمُ بَيْغَضُ لَفْسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَئِکِنْ... دُو فَضْلُ عَلَی الْعَالَمِیْنَ» (بقره، ۲۵۱). این‌گونه جالوت با همه قلدری‌اش از بین رفت.

کوه‌ها مسخر شده بودند که صبح و شام با او تسبیح خدا را بگویند؛

«إِنَّا سَخَرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ یُسَبِّحُنَّ بِالْعَشْرِ وَالْإِشْرَاقِ» (ص، ۱۸)

پرنندگان مسخر شده بودند با او ذکر خدا را بگویند؛

«وَالطَّيْرُ مَخْشُوهُ کُلُّ لَهُ أَوَّابٌ» (ص، ۱۹).

همین ایمان هم راه را برای از بین بردن ظلم باز کرد. در میان جنگ، داوود دست به فلاخن برد.

این جوان با فلاخنی که در دست داشت،

سمانه رضوانی| امروز دیگر کسی نیست که قسه پرغصه فلسطین و مردمش و شجاعت روز نفرت به صهیونیست بیشتر و بیشتر می‌شود. صحنه عجیبی است، تصور کن سربازان اسرائیلی با همه توان و امکانات نظامی یک طرف ایستاده‌اند و نوجوانی با فلاخن و مشتی سنگ مقابلشان ایستاده است. سال‌هاست این تصویر تکرار می‌شود و همه را منقلب کرده است.

خود من گاهی فکر می‌کنم چطور مردمی که همه‌کسستان را از دست داده‌اند، خانه‌هایشان ویران شده است، می‌توانند امید به پیروزی داشته باشند تا اینکه به این آیات قرآن در مورد حضرت داوود^(ع) رسیدم. خدا می‌فرماید داوود را به یاد بیاور؛